

مصاحبه با خخالی

قدرت

همیشه کار خود را می کند

پیام فضلای نژاد

بر آستانه

بی با واحد مرکزی خبر (۱۸ آبان ماه ۱۳۷۸) که متن کامل آن در روزنامه رسالت (شماره ۲۰۰۲) درج گشته بخش اندکی از سخنانش را تکذیب کرد. وی گفت: مشخصاً موسیقی‌های بخش شده از صدا و سیما را که بر آن نظارت و کارشناسی می‌شود مجاز دانستم. هم چنین نشان دادن زن مسلمان بی حجاب در تصویر مربوط به زنان سالخورده سپیدموی است که همه آنها را مادر خطاب می‌کنند.

با اظهارات آیت الله خخالی روزنامه پیام آزادی در تاریخ ۶ آذر ۱۳۷۸ خبری در باره شکایت خانواده معظم شهدا از گفت و گوی مذکور درج کرد که نگارنده پس از پیگیری از مراجع قضایی در گفت و گویی با روزنامه فوق (۲۳ آذر ۱۳۷۸) آن خبر را تکذیب کرد.

تکذیب آیت الله خخالی سبب شد تا روزنامه‌های محافظه کار با گشودن ستونی در قالب نظرخواهی از عوامل چرخه تولید سینما، نظریات فقهی پیرامون تک خوانی و نمایش زن مسلمان بی حجاب در تصویر را به تآوری همفکران خود بگذارند.

پیش از آغاز گفت و گو، آن گونه که رسم قضات و فقهاست، چند سؤال از احوال شخصی من کرد و چنانکه رسم خود اوست، از نوع نگاه من به عملکردش در مقام اولین حاکم شرع کل دادگاههای انقلاب اسلامی پرسید. در جملهای کوتاه صریحاً گفتم که او را بارزترین نماد خشم و شور انقلابیون می‌دانم و هر انقلابی در ابتدای استقرار، اتکای فراوانی به شور دارد. شوری که به هر رو پایان می‌یابد.

گفت و گوی نخست دو محور داشت: اول، تعامل او با عرصه فرهنگ و هنر در مقام حاکم شرع و دوم، تکیه بر مسایل مستحدثه فرهنگ و هنر با عطف به جلوس مرجعی وی. این گفت و گو، پس از تحریر در قالب دیدار با آیت الله خخالی در سیصد و نود و هشتمین شماره مجله هفتگی سینما به چاپ رسید و در شماره چهارصد و نهمین به عنوان بهترین گفت و گو از سوی خوانندگان در طول عمر بر بار این هفته نامه انتخاب شد. اما و البته پیش بینی نگارنده مبنی بر جنجال برانگیز بودن سخنان خخالی به وقوع پیوست. نخست آیت الله خخالی در گفت و گو

پیشینه گفت و گوی من با آیت الله شیخ صادق خخالی، اولین حاکم شرع کل دادگاههای انقلاب اسلامی ایران که خود می‌گوید از سوی مخالفتش قاضی جلاذوقاضی قاضی لقب گرفته است، به تابستان سال ۱۳۷۸ باز می‌گردد. مبنای نخستین این گفت و گو، که بخش اول آن به سفارش مجله هفتگی سینما، انجام شده کیفیت نگاه این چهره مطرح سیاست و قضاوت دهه نخست انقلاب ۵۷ به عرصه فرهنگ و هنر بود.

پس از پیشنهاد موضوع گفت و گو به آیت الله خخالی، او بی درنگ قراری را برای روز نخست مردادماه در منزل شخصی‌اش در قم مقرر کرد. گفت و گوی اول، دو ساعت به طول انجامید. اگر چه زمان کوتاهی نبود، ولی آهنگ آهسته کلام خخالی که سبب آن دو عمل جراحی فتق ناف و قلب و نیز ابتلا به بیماری پارکینسون بود، بازدهی مورد نظر نویسنده این ستون را به همراه نداشت.

تاریخی، توضیح وی را ضمیمه گفت و گوی حاضر می خوانید.

متن کامل گفت و گو با آیت الله صادق خلخالی که بدون تفکیک هر گفت و گو به صورت به هم پیوسته تحریر شده است در انتظار چاپ در دو کتاب به سر می برد. نخست کتاب ترازوی خیال اندیشان (پیام فضلی نژاد) که مجموعه گفت و گوهایی در باب آسیب شناسی گذار به صحنای کثرت گرا است و توسط نشر سینتا در پاییز ۱۳۸۱ روانه بازار کتاب خواهد شد و دیگری در سومین مجلد از خاطرات اولین حاکم شرع کل دادگاههای انقلاب اسلامی، که گویا حاوی مجموعه کامل گفت و گوهایی وی با روزنامه های داخلی و خارجی است.

نگارنده نسختهای از متن کامل این گفت و گو را در اختیار سردبیری مجله قرن بیست و یکم قرار داد تا بر حسب ضرورت ها و مقتضیات موجود تمام یا قسمت هایی از آن را تقدیم مخاطبان گرامی نماید. کندی بدیهی است به سبب رعایت حقوق طرفین مصاحبه قسمت های حذف شده با علامت مشخص شده است.

بارکینسون برایشان پس از یک ساعت و در نیمه راه رها شد. گفت و گوی دوم برای نخستین بار در این جریان، آفتاب طبع به خود می بیند و تاکنون منتشر نشده است.

گفت و گوی سوم که پایانی است برای گفت و گوی دوم، یک سال و نیم بعد در خرداد ۱۳۸۰ به صورت تلفنی انجام شد و نزدیک به چهل و پنج دقیقه به طول انجامید. در لایه لای این گفت و گو نکاتی ناگفته نرفته است که پس از درج قسمتی از آن در شماره صفر ماهنامه ادبی پروین با عنوان گفت و گو با آیت الله خلخالی در باره کتاب خاطرات و نقل در روزنامه حیات نو و سایت های اینترنتی واکنش های متفاوتی را پدیدآورد. فارغ از نقد و بررسی هایی که بر گفتارهای این فقیه صورت گرفت، فضل الله صلواتی، نماینده مردم اصفهان در دوره اول مجلس شورای اسلامی و سردبیر سابق هفته نامه نوید اصفهان، توضیحی را برای نگارنده در پاسخ به یکی از خاطرات آیت الله خلخالی پیرامون ماجرای اعدام چهار دکتر اصفهانی ارسال داشته. به سبب حائز اهمیت بودن اطلاعات صلواتی از حیث

(به عنوان مثال نگاه کنید به: روزنامه جوان شماره ۲۰۷ تا ۲۰۹)

پس از جریان سازی های منتقدان اصلاحات در حوزه سینما، نویسنده این سطور طی تماس تلفنی با اولین حاکم شرع دادگاههای کل انقلاب اسلامی دریافت که جناحی خاص پیش بینی کرده بود که با زیر سؤال بردن و تحریف شده خواندن گفتارهای آیت الله خلخالی مبحث نو سازی مذهبی در سینمای ایران تخطئه شود.

گفت و گوی دوم، تلاشی بود برای ایستادگی بر مقصد نو سازی مذهبی در سینمای ایران. جامه نوینی بر پرسش ها پوشیده شد و غرض شفاف کردن نگاه قاضی شرعی بود که می توانست بسیاری از تعاملات تهران خود را با حوزه فرهنگ و هنر آشکار کند. البته این فرصت موقتی بود تا انگاره های نظری فرهنگی-سیاسی وی نقد و بررسی شود و برویه بحث و گفت و گو به همان نقطه هدایت شد. این گفت و گو در زمستان ۷۸ به انجام رسید که به دلیل نامساعد بودن وضعیت جسمی و عارض شدن بارهاری از اختلالات ادراکی به سبب بیماری

گفت و گو با آیت الله صادق خلخالی، اولین حاکم شرع دادگاههای کل انقلاب اسلامی ایران

شما از سوی پارهای روشنفکران دینی و غیر دینی متهم به تلاش برای حاکمیت و سیطره جزم اندیشی دینی و گونه های توتالیتریزم در ابتدای انقلاب ۵۷ بر گستره فرهنگ و هنر هستید. می گویند پیش از انقلاب ۵۷ در زمره طیفی بودید که هنر مدرن و بالاکس سینما را در زمره فساد می شناختید و از این رو همراه در برابر حادثه آتش سوزی سینما رکس آبادان در نمایش آخرین سانس فیلم گوزن ها (مسعود کیمیایی) در بیست و هشتم مرداد ۵۷ که سیصد و هفتاد نفر در آن کشته شدند، سکوت کردید. برخی نیز گفته اند پس از انقلاب با تسامح از کنار دلایل و مستندات که بانیان حقیقی این آتش سوزی فاجعه آمیز را رسوا می کرد، گذشتاید و مایلند چنین بنمایند که در آن هنگام که می توانستید مسببان حادثه را محاکمه کنید، به سبب برخی از ملاحظات سیاسی حکومت انقلابی، حقیقت پوشی کرده اید. بر این ادعاها به چه میزان می توان انگشت اعتبار نهاد؟

اسلامی نداریم که کسی بتواند برای خود وکیل انتخاب کند. این اظهارات را حتی بر خلاف مصلحت ملک و ملت در آن برهه تلقی کرده اند. اما گویا آن هنگام مصلحت اندیش شدید که دریافتید آتش سوزی سینما رکس آبادان ...

خلخالی: این ها سراسر مزخرف است. من هیچ شریک سیاسی-عقیدتی ای نداشتم. این تحلیل ها برایم گنگ است...

می گویند در جلسهای خصوصی پس از آنکه دستور توقیف فیلم قیصر (مسعود کیمیایی) را صادر کردید، گفتید فیلم گوزن ها (مسعود کیمیایی) یک فیلم ضد دینی و ضد انقلابی است...

خلخالی: بله. فیلمی که حج کردن را با نشته شدن یک معتاد یکسان دانسته است، ضد دینی است. صریحاً هم ضد دینی است و با تساهل هم نمی توان با آن روبرو شد. متها در آن موقع مجازات عوامل این گونه آثار مبتذل برای من در اولویت نبود. اگر چه این ها هم مفسد بودند، اما مفسدین فی الارض دیگری هم بودند که خشم انقلابی مردم، مرگ آن ها را می خواست...

در ابتدای پرسش هایم اشاره کردم که حادثه آتش سوزی در حالی که هفتصد نفر در سالن سینما

البته شما در آستانه استقرار حکومت انقلابی، فیلم قیصر (مسعود کیمیایی) را توقیف کردید...

خلخالی: بله. فیلم قیصر بر خلاف فیلم گوزن ها فی حد ذاته مشکلی نداشت، اما در آن برهه زمانی احتمال فتنه انگیزی هایی در استفاده از آن وجود داشت که صلاح دیدم نمایش آن متوقف گردد...

قیصر در پایان دهه چهل، ریشه های مورد تجاوز قرار گرفته یک جامعه و یک فرهنگ و یک مردم را باز می گفت و همراه با فیلم کلو (داریوش مهرجویی) آغازگر موج نوی سینمای ایران محسوب می شد. گوزن ها اما و البته محبوب ترین، هنرمندانه ترین و سیاسی ترین اثر مسعود کیمیایی است. تلقی ضد دینی شما از گوزن ها برایم گنگ است. این اثر از آثار بسیار معدود سیاسی است که ضمن بیان علنی و آشکار مبارزات انقلابی زمانه، ارزش هنری دارد. فیلمی که از سوی ساواک هم توقیف شد و عوامل پدید آورنده اثر بازداشت شدند...

خلخالی: در باره توقیف فیلم در دیکتاتوری شاه ساواکی ها باید توضیح بدهند، اما ما فیلم را توقیف نکردیم...

البته گوزن ها در هنگام استقرار حکومت انقلابی در سینما نمایش داده نمی شد...

خلخالی: به هر حال توقیف فیلمها در زمان شاه به وسیله ساواک نشانگر گوشه‌ای از جنایات آن‌هاست. برخورد قهری با هنر و هنرمندان راهکار پسندیده‌ای نیست...

توقیف فیلم قیصر در آستانه استقرار حکومت انقلابی استفاده از همین راهکار غیر پسندیده بود...
خلخالی: ساواک در توقیف فیلم‌ها ملاحظات امنیتی را لحاظ می‌کرد. مثلاً به خیال آن‌ها گوزن‌ها ضد سلطنت بود. ما حکومت سلطنتی نیستیم. پیدی نیستیم که باین بادها بلرزیم. صاحب حکومت ما خداوند است و فیلم‌های سینمایی اگر مخالف این رویه نباشند، بلاشکال است...

پیش از انقلاب ۵۷ سینمای ایران صاحب طایفه‌هایی شد که از آن‌ها با عنوان موج نو یاد می‌گشت... ادبیات ایدئولوژیک خواهان حاکمیت خود بر شئون گونه‌گون زندگی بود و توجیهش را از پدیده انقلاب و صفت اسلامی آن می‌گرفت...

خلخالی: انقلاب الهمدالله توانست بسیاری از میراث‌های دیکتاتوری شاه را نابود کند...

اما سینماگران پیشرو و آفرینندگان موج نوی سینمای ایران همسنگ میازرات مردم و زمانه فرایند هنری می‌ساختند...

خلخالی: هر موجی که متعلق به دیکتاتوری شاه بود باید نابود می‌شد. پس برای چه انقلاب شد؟ اقرار

و رنگ زنان در سینما به گونه‌ای باشد که جوانان به راه استمنا کشیده شوند. این‌ها خیلی ملموس است. کسی نمی‌تواند در ذهنش خیال کند که فیلمی که زنا را نشان می‌دهد، ضد ارزش نیست. می‌تواند؟ در گستره هنر مطالبات مردم از نیمه دوم دهه هفتاد رنگ متفاوتی به خود می‌گیرد و بی پروا در سینما خواستار گشایش باغ‌هایی از... می‌شوند. با طرح نظریه کثرت گرایی، فرهنگ و هنر فلسفه دیگری نزد مولدان و مخاطبان می‌یابد. بخشی از نگرش‌ها حتی در حوزه روحانیت نسبت به اندیشه‌ها و روش‌های حوزه‌های فرهنگی نوسازی می‌گردد و سیاست ممنوعیت فرهنگی رنگ می‌یازد. در فضای نوینی که مطالبات نوینی آفریده، پدیده‌های مستحدثه فراوانی خودنمایی می‌کند که نیازمند گشایش‌های فقهی روحانیت مدرن ایران است...

خلخالی: این حرف‌های را مقداری قبول دارم، اما هیچ کدام از مسئولین فرهنگی به ما مراجعه نکرده‌اند تا برایشان گشایش فقهی کنیم. مسائل فرهنگی-هنری از ابعاد پیچیده و گسترده‌ای برخوردار است و بهبود آن از عهده و توان کارشناسان کنونی ایران خارج می‌باشد. البته وزارت فرهنگ و ارشاد کنونی می‌کوشد که عملکرد حوزه فرهنگ و هنر ایران را منطبق بر قرآن و سنت‌های اسلامی کند، لیکن برخی با ایجاد شبه‌های ارزشی آن را با بن بست روبرو می‌سازند...

حضور داشتند در واپسین نمایش گوزن‌ها رخ داد...
خلخالی: این‌ها دلایل و قرائن مناسبی نیست. این عمل از مسلمانان وقتی بر نمی‌آید که حتی در هنگام نمایش فیلمی ضد دینی، صدها انسان را به کشتن دهند. این گونه از سینما را به عنوان مظاهر فساد می‌شناختیم، اما حکم عوامل تولیدکننده آن از حیث جزایی با حکم تماشاگران آن تفاوت بسیار دارد...

حکم عوامل تولید کننده چنین فیلم‌هایی که مصداق فساد شناخته می‌شوند چیست؟

خلخالی: یک حکم واحد ندارند. ابعاد فساد باید بررسی شود. مسلم است فیلم سازی که یک فرضیه الهی مثل حج را با احوال یک معتاد یکسان دانسته است، مجازات سنگین‌تری دارد. نسبت به فیلم سازی که ابعاد کوچکتری از فساد را به نمایش گذاشته است، یا فیلمی که در آن بازیگر مردی با زن شوهر داری، جلوی دیدگان مخاطب آمیخته و عمل زنا می‌محسنه می‌تکب شده است یا فیلم دیگری که فقط به لحاظ روابط عادی بین بازیگران مبتذل شناخته می‌شود، کیفیت اجرای حکم الهی متفاوت است. اگر فرصت می‌یافتیم، پس از مجازات سران رژیم فاسد گذشته، برای احیای هنر اسلامی، همه عوامل تولیدات فاسد هنری دوران طاغوت را به محاکمه می‌کشادیم...

فرایندی مشابه بود...

خلخالی: ما نیازمند نظریه‌های هاتینگتون و... نیستیم. اسلام فلسفه و نظریه عرصه‌های مختلف زندگی است. برای تحلیل جامعه‌مان به تحلیل‌های عوامل استیکار نیازی نداریم. توحید، عدالت، نوع دوستی و... نزد اسلام ارزش است و نیازی به بازنگری و بازسازی هم ندارد. ارزش‌های انقلاب‌های حقیقی هیچ گاه رنگ نمی‌بازند و از بین نمی‌روند. این انقلاب‌های مادی در شرق و غرب بودند که پس از گذشت زمانی ارزش‌هایشان مورد تردید واقع شد. انقلاب اسلامی، انقلاب مادی نبود. یک انقلاب معنوی حقیقی بود...

شما می‌تنداری پس از گذشت دو دهه از انقلاب ۵۷، آن ارزش‌ها همچنان در متن جامعه حضور خواهند داشت. اما...

خلخالی: اما و اگر وجود ندارد. ارزش‌های انقلابی که در جامعه ما از بین نمی‌رود. ارزش‌های انقلابی ما و امدار از دین اسلام است و این و امداری را از جاوداتگی آن ارزش‌هاست...

من از ورود به مبحث ایدئولوژیک بودن یا نبودن انقلاب ۵۷ اجتناب می‌کنم، چون خطه برخاری است که به سادگی نمی‌توان از آن بیرون آمد. از باب تحلیل تئوریک ارزش‌ها و اعتقاد به ذهنی بودن ارزش‌ها صورت مسئله را می‌نگرم...

خلخالی: ذهنی بودن ارزش‌ها یعنی چه؟

صادق خلخالی: این‌ها سراپا دروغ‌هایی است که دشمنان انقلاب برای مخدوش کردن چهره عدالت و قضاوت آن به هم می‌بافند. من در مورد پرونده امیرعباس هویدا (نخست وزیر رژیم شاه) هنگامی که فهمیدم مهدی بازرگان (نخست وزیر وقت) می‌خواهد نظر بعضی از فقها و مراجع را تغییر دهد تا دادگاه را زیر فشار بگذارند تا او اعدام نشود. لحظه‌ای مسامحه نکردم و بی درنگ او را کشتم. اهل رشوه هم نبودم. هویدا یک میلیون دلار رشوه پیشنهاد کرد تا دو ماه اجرای حکم او به تأخیر افتد. احمق خیال می‌کرد مرحوم سید احمد خمینی به داد او خواهد رسید. در زمان ریاستم در دادگاه انقلاب اسلامی پرونده‌ای را پیرامون حادثه آتش سوزی سینما و کس آبادان به یاد ندارم. در کار قضاوت هم برای من ملاحظات سیاسی مطرح نبود. هر کس را که تشخیص می‌دادم خانی به ملت و اسلام است اعدام می‌کردم. آن‌ها باید دلایل خود را برای مطرح کردن چنین اکاذیبی بگویند...

می‌دانم که هیچ ملاحظه سیاسی ملی و بین المللی برای شما مطرح نبود. مقتدرانه بر عقیده خود پای می‌فشردید. آن هنگام که در قوانین حقوقی اکثر کشورهای دموکراتیک و ایدئولوژیک دنیا حق استفاده از وکیل برای متهم مسلم و در بسیاری از موارد اجباری بود، گفتید: در قوانین شرع و الگوی

نبود سنت‌های هنری پیشین برقرار بماند. یک عده هم مردم فریب بودند و می‌خواستند خودشان را در صف مبارزات مردم بیاورند. شب‌ها عرفشان را می‌خوردند و اسم پیشرو بر خودشان گذاشته بودند. فیلم‌هایی که در آن‌ها زنا و لواط می‌شد، پیشرو بودند؟!...

در کدام یک از آثار سینمایی پیش از انقلاب ۵۷، لواط را به نمایش گذاشتند؟

خلخالی: در همین فیلم قیصر که می‌گویید آغازگر موج نوست، یادم هست یا دختر فیلم زنا می‌شود. این مخالف اسلام و تربیت دینی است. سوژه کردن تجاوز به ناموس مردم کجا در مبارزات اسلامی مردم، ضد رژیم شاه بود؟! این‌ها تحلیل‌های گمراه کننده است که حقیقت سینمای قبل از انقلاب را کتمان می‌کند... پرسش من مصداق ادعای شما پیرامون نمایش لواط در سینمای پیش از انقلاب ۵۷ بود...

خلخالی: حال من بیکار نبوده‌ام که بر سینمای فاسد آن دوره دقیق شوم و آمار بگیرم که در کدام فیلم‌ها لواط شده است و در کدام فیلم‌ها زنا، اما کلیت آن سینما چنین بود. عده فراوانی از هنرمندان فاسد رژیم گذشته عفو شدند و اکنون که آزادی‌ها گسترش یافته حتی آن بازیگرانی که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی متهم به زنا بود با شروطنی در سینمای ایران به فعالیت پرداخته است. البته این آزادی موهبت مقدسی است که فاسدین و فاسقین نباید آن را به

مثلا در حوزه سینما نمی توان هم چنان با استناد به قالب های سنتی فعالیت کرد و در زمینه کیفیت نمایش زن مسلمان و... باید به یک توفهمی همت گمارد. به دیگر سخن برای امروزین کردن و پرداخت واقعگرایانه مناسبات در سینمای ایران، نوسازی ای مذهبی ضرورت دارد. فقه مدرن می تواند هم سنگ سازه های نوین ذهنی، احکام نوینی نیز بیافریند...

خلخالی: مثلا چه سازه های ذهنی ای وارد سینما شده که باید احکام نوینی صادر کرد؟

مطلب پرداخت واقعگرایانه مناسبات میان زن و مرد در سینما، نمایش... زن مسلمان ایرانی که البته به شرط و شروطی حضرات آیات یوسف صائمی و محمد عبایی خراسانی، سید حسین موسوی تبریزی مجوزشان را از حیث فقهی داده اند، در زمره این سازه های نوین تلقی می گردند...

خلخالی: بله، اگر این آقایان گفته اند که درست است و می شود...

یعنی فیلم ساز در اثر هنری اش می تواند زن مسلمان ایرانی را... نمایش دهد؟

خلخالی: زن مسلمان بی حجاب را برای عموم شناخته نشده است، از طریق سینما و تلویزیون می توان نمایش داد...

اگر زن شناخته شده باشد حکم چیست؟

خلخالی: شناخته شده بودن زن مشکل ایجاد نمی کند. در حقیقت مشکل به محیط باز می گردد و تجویز این عمل منوط به فریبده نبودن زن در تصویر است و اینکه آن فیلم اشاعه فحشا نکند. در غیر این صورت مشکلی ندارد. من خیلی باز فکر می کنم و معتقدم حتی در فیلم های پیش از انقلاب اسلامی که زنی به زمین می خورد و مردی دست آن را گرفت و بلند می کرد، در صورتی که شخصی در آن محیط حضور نداشت، عمل خلاف شرعی رخ نمی داد. حتی دست دادن زن و مرد در فیلم اگر مبتنی بر مناسبات مفسده انگیز و هوس بازانه نباشد، بلامانع است. ولی اگر در فیلمی دختری با زینت و آرایش غلیظ نمایش داده شد، منجر به اشاعه فحشا می شود و آقایان هر چقدر هم بگویند دخترک مروج فساد نیست، سخنشان بلا اثر است. مثلا این چهار هزار دختری را که... برداشته از ترکمنستان آورده و این ها را در فیلم ها نشان می دهند که دارند ورزش می کنند، در صورتی درست است که کمک به رواج مفسده نکنند. افعال باید با خلوص نیت همراه باشد و با کمک همان تمدنی که گفتید خیلی از مسایل هنری را می توان حل کرد...

کدام تمدن؟! تمدن تکنولوژیک؟

خلخالی: بله، با همین تمدن در غرب خیلی کارها

فرهنگ معاویه قرار است سنت های گذشته را ویران کند و یک وقت فرهنگ معاویه در مقابل فرهنگ ابوبکر یا عمر و عثمان است. فرهنگ علی (ع) اسلام حقیقی بود و غیر از اسلام حقیقی چیزی مد نظر نداشت، لذا در نهج البلاغه چندین بار توصیه می کند که بیایید و بنشینیم تا مشکلات جهان اسلام را حل کنیم. برخی می خواهند بگویند امیر المومنین (ع) یک دقیقه حاضر نشد با معاویه بنشینند، حال آنکه معاویه در مملکت قدر تمند شده بود و می خواست خواست هایش را پیاده کند. علی (ع) می خواست جلوی هرج و مرج را بگیرد، و گر نه جلوی فرهنگی را گرفتن که کاری ندارد. اگر به فرهنگ از دواج علی (ع) و فاطمه (س) نگاه کنید، می بینید که این فرهنگ، فرهنگ ثروت نبود، فرهنگ شوکت نبود، فرهنگ حقیقی اسلام بود. این یک الگوی پیاده شدنی برای امروز ماست. فرهنگ در جامعه ما بر خلاف رویه پیغمبر است...

اما چند لحظه قبل شما گفتید که به سبب اینکه ارزش های انقلابی ما و اسرار فرهنگ اسلامی است، جاودانه می مانند. این با گفتار کنونی تان تناقض فاحشی دارد...

خلخالی: بخشی از فرهنگ ما بر خلاف رویه پیغمبر است...

کدام بخش های فرهنگی با رویه قدسی تناقض دارند؟

خلخالی: نکشیدیم...

نکشیدید؟

خلخالی: وظیفه من نبوده است که بروم اندازه بگیرم و ببینم کدام بخش های فرهنگی منطبق با رویه پیغمبر بوده یات و کدام بخش ها منطبق نبوده است. یک نمونه اش همین صدا و سیماست. شخص آقای علی لاریجانی مشکلات فراوانی دارد که در دادگاه باید به آن رسیدگی شود...

پرسش من پیرامون ورود سازه های نوین ذهنی یا مادی فرهنگی و دستاوردهای جدید تمدن تکنولوژیک بسیاری از بافتها و ساختهای سنتی را دگرگون می کند و اساسا روحانیت تا چه میزان تاب نظاره برچیده شدن نهادهای سنتی را دارد؟

خلخالی: من تمدن تکنولوژیک را نمی شناسم. تعین اسلامی پایه و مبنای زندگی ما ایرانیان بوده و هست. سازه های نو فرهنگی هم تا زمانی که مخالف تمدن اسلامی نباشد، بلا اشکال هستند. منتها منظور شما از سازه های نوین ذهنی یا مادی را درست نمی فهمم...

در گستره فقه اسلامی سازه های نوین ذهنی یا مادی را می توان برابر مسایل مستحدثه دانست.

خلخالی: حالا این را من نمی دانم و به من هم مربوط نیست. ایشان دلش خواسته و به آن جا رفته است. مهم این است که هنر پس از حماسه دوم خرداد ۷۶ طریق تعالی را طی کرده و اگر رویه کنونی را ادامه دهد به جاودانگی نائل خواهد شد. توسعه هنری ای که موازی با توسعه سیاسی و توسعه فرهنگی در پیش گرفته شده است از چهار چوب های عقیدتی و اسلامی محکمی برخوردار است. از آن رو که اهل قلم، اهل هنر و اهل دین در راس مسئولیت ها قرار گرفته اند اسباب خوشحالی برای فقها و مراجع عالیه قدر فراهم شده است. اگر چنین نبود روزگاری می رسید که فضایی گفتند: فاتحه اسلام را باید خواند. با این حال مناسبات هنوز دار و دسته مهاجرانی را اذیت می کنند...

همان جناح چپ و راست اذیتشان می کنند؟

خلخالی: بله، آدم هایی هستند که مرتبا می گویند آن ارزی ما حاصل نشد، حال آنکه ارزی این ها، آن هنگام حاصل می شود که فرهنگ به تمام معنا، فرهنگ نماز، روزه، جهاد انقلاب و فرهنگ خواسته های مردم مد نظر گرفته شود. وقتی چنین شد می بینیم باب آن خیلی وسیع است...

فرهنگ و مفهوم آن و نسبت ذات بشر با آن از دیرباز یکی از دغدغه آفرین ترین گسترده های ذهن انسان بوده است. بنیاد یکی از پرسمان های اصلی جامعه ایران در دوران کنونی به پرسش از فرهنگ و ماهیت آن باز می گردد. فرهنگ از آن جا که بر پایه زندگی رشد می کند و از درون زندگانی جمعی موجودی به نام انسان سر بر می آورد، خود موجودی است که زندهوار، آیش و زندگی و مرگ دارد. نکته مهمی که فرهنگ شناسی به آن رسیده این است که هر فرهنگ از آن جا که یک ساختار زنده است، تناسب ترکیب سازه ها برای ماندگاری و کارکرد درست آن ضرورت تام دارد. بدین معنا که میان ارزش و اخلاق و جهان بینی و شیوه های زندگی و ابزار و وسایل در هر جامعه تناسبی هست و هنگامی که بر اثر ورود سازه های تازه ذهنی یا مادی تناسبها درهم ریزد، زندگی در فضای فرهنگ، آشفته و پریشان می شود. ورود یکباره سازه های نوین ذهنی و مادی به فضای عمومی ایران، فرهنگ سنتی ما را با چنان بحرانی رو برو کرده که برای سازگار کردنشان می باید بافت های ارزشی و ساخت های اجتماعی فراوانی دگرگون شود. فقها و فضایی حوزه های علمیه تا چه میزان دگرگونی بافتها و ساختها را بر می تابند و تاب نظاره برچیده شدن نهادهای سنتی را دارند؟

خلخالی: یک وقت فرهنگ امیر المومنین در برابر

کرده اند...

پیش از این گفتید که تمدن تکنولوژیک را نمی شناسید...

خلخالی: لازم نیست ما روحانیون همه چیز را که بشناسیم، وگرنه فیلسوف می شدیم. قسمت های خوب این تمدن را باید استفاده کرد. منظورم بخش فنی آن است. آب و رنگ فیلم های خارجی به سبب همان بخش هاست. این فیلم ها اگر سازنده باشد و برخورد از اغواگری نباشد می تواند مورد استفاده مسلمانان قرار گیرد. ما نمی توانیم با دست خود اسلام را از بین ببریم که می خواهیم فرهنگی را از خارج به این جا بیاوریم. خیلی از این فیلم ها سکسی است و باید مواظب بود. سکس فرهنگ ما نیست و فقهی که این مسایل را مجاز می داند، فقه ما نیست. یک عده دنبال منافع خودشان هستند و می خواهند فقه را متناسب با منافع خودشان تغییر دهند. من اینگونه نیستیم. من می گویم فرهنگ پیاده شود و افرادی هم بیایند از این فرهنگ استفاده کنند...

کدام فرهنگ پیاده شود؟

خلخالی: فرهنگ فریبنده

نباشد. فرهنگ آموزنده باشد...

تعاریف شما کلی است که ذهن تحلیل گر و دغدغه گرا را با ابهام و انسداد مواجه می سازد. در گروه تعاریف تکوینی فرهنگ، گسترده ای را با نام تاکید بر ایده ها داریم. در

همین گستره وارد (Ward) در یک قرن پیش گفته است: فرهنگ یک ساخت اجتماعی. یک ارگانیسم اجتماعی است که ایده ها نطفه آن هستن. در ایضاح نطفه فرهنگ مطلوب و مقبول تان می توانید مثالی ملموس و ایده وار بیاورید؟

خلخالی: در چه زمینه مثال بیاورم؟

در زمینه سینما یک مثال بیاورید. مثلاً چه فیلمی منطبق بر ایده های فرهنگی شماست...

خلخالی: به عنوان مثال شهید مرتضی مطهری نقدی را بر فیلم محلل (نصرت کریمی) نوشتند. آیت الله مطهری برای تعریف می کرد که: رفتیم حج کارگردان این فیلم را گرفتیم و گفتیم موضوع محلل که به شما مربوط نیست. شما با این فیلم چه چیزی را می خواهید ثابت کنی؟! چه فرهنگی را می خواهید پیاده کنی؟! کارگردان فیلم هم جوابی نداشت...

فیلم محلل را دیده اید؟

خلخالی: بله...

شخصاً چه تحلیلی پیرامون این اثر دارید؟

خلخالی: از حیثی موافق سینما هستم و از حیثی مخالف. اگر اشاعه فحشا شود ما مخالفیم. محلل قصد اشاعه فحشا و توهین به دین اسلام را داشت... پرونده ای برای فیلم نامه نویس و کارگردان فیلم محلل بدان جهت که آن را اشاعه فحشا و توهین به دین مقدس اسلامی می دانستید، در دادگاه انقلاب گشوده نشد؟

خلخالی: به هر حال قصدمان بود که با این جماعت چنان برخورد شود که دیگر کسی فکر اهانت به مقدسات به ذهنش خطور نکند. در باره فیلم محلل چون آیت الله مطهری پاسخ به کارگردان آن را داده بود، فکر می کنم اقدام دیگری نشد...

سوال پیشینه من البته هم چنان پابرجاست. آوردن مصداقی ملموس در ایضاح فرهنگ مطلوب و مقبولیتان بود...

خلخالی: جوابتان را دادم...

پاسخ شما باید اجمالی باشد، نه سلیبی...

خلخالی: مشخص است. فرهنگ مطلوب این نیست که از یک جا درست کنیم و از یک جا باز کنیم. نباید کلاه شرعی بگذاریم و حقه بازی کنیم. هدف نباید این باشد. یک دختر چهارده ساله را زینت و زیور کنید و لب و صورتش را رنگ و روغن بمالید و سپس وارد صحنه کنید، اگر هم بگویید اشاعه فحشا نیست، خود به خود اشاعه می شود. آقای وزیر ارشاد چه بخواهد و چه نخواهد این گونه فتنه انگیزی می شود. من عقیده ام این است که هیاتی از فقها و دانشگایان جمع شوند و موارد مفسده انگیز را مشخص کنند...

در شاکله فرهنگی ای که مطلوب و مقبول

می شمارید، انتقاد به حکومت چه جایگاهی دارد؟ خلخالی: تا جایی که مفسده انگیز نباشد. می شود شفاف تر و آشکارتر این مرزها را بیان کنید؟

خلخالی: مثلاً نباید ارکان اسلام و حکومت را مورد تعرض قرار دهند. باید این آدم هایی را که می گویند باید حد را از بین برد و قصاص را ساقط کرد، سانسور کنند...

زندان کند یا سانسور کنند؟

خلخالی: سانسور کند. زندان راه حل خوبی نیست. در آزادی های نسبی نباید موازین شرعی را زیر سوال برد. آن هایی که این موازین شرعی را زیر سوال می برند چه قصد و غرضی دارند؟ می خواهند بگویند دین با ذائقه شان جور در نمی آید؟ ذائقه آن ها غیر ذائقه اسلام است. اسلام می گوید این کتاب، این فرهنگ، این حکومت این جور باشد و آن ها می گویند جور دیگری باشد. در خارج از ایران هم کشورها از فرهنگ خودشان کوتاه نمی آیند. در سوئیس من رفته بودم و سانسور دولتی خیلی بیشتر از کشورهایی بود که اتفاقاً ادعای آزادی هم نداشتند. مثلاً آن جا موسیقی را سانسور می کردند، حال آنکه ما خیلی از موسیقی ها را جایز می دانیم...

به عنوان مثال در سوئیس چه

موسیقی هایی را سانسور می کردند؟ خلخالی: درست به خاطر ندارم، اما سانسور بود. در حالی که ما سانسور در چنین زمینه هایی نداریم...

در حوزه موسیقی، تک خوانی زن برای مسلمانان دارای حرمت شرعی است...

خلخالی: اگر مفسده انگیز باشد، خیلی چیزها دارای حرمت شرعی است. اکثر موسیقی هادر دین اسلام جایز است. مرحوم فیض کاشانی، شیخ انصاری و... آراء سازنده ای در باره موسیقی دارند...

در باره موسیقی پاپ چگونه می اندیشید؟

خلخالی: این موسیقی پاپ اگر منطبق با موازین اسلامی شود، اشکالی ندارد و جایز است...

در حقیقت شما با رای فقهای که برای موسیقی حرمت قایل هستند مثل مرحوم شاه آبادی و... مخالف هستید؟

خلخالی: من مقصود آن ها را نمی فهمم...

و امریکایی ها، ابراهیم یزدی و مهندس بازرگان به مراسمشان واصل شوند...

مخالفت های اعضا دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و سران نهضت آزادی و جبهه ملی، هم چون دکتر یدالله سجایی با شما پیرامون اعدام های سران رژیم گذشته بود. یدالله سجایی می گفت: اگر آقای خلخالی نخست وزیر را بکشد، نخست وزیر کشی باب می شود...

خلخالی: سجایی و بازرگان این شعارها را می دادند تا دوستان خود را از زندان های انقلاب نجات دهند. هر روز مهندس بازرگان با دارو دستش به زندان ها می رفت عدهای را فراری می داد. علیرغم همه مواظبت های ما آن ها شایبور بختیار را فراری دادند و باعث گریختن خیلی از ساواکی ها شدند. یکبار که بازرگان می خواست هویدا را به بهانه ای از زندان به نخست وزیری ببرد تا احتمالاً بعداً بگویند در میان راه قرار کرد، با او شدیداً برخورد کردم. این آقا باید در دادگاه برای کارهایی که کرده جواب پس بدهد و بگوید که بختیار را چگونه فراری داده است... آقای مهندس مهدی بازرگان که مرحوم شده اند...

خلخالی: بله، ولی به هر حال اسناد روزی اشکار می شود و خیانت های امثال سجایی و بازرگان را می فهمید...

اما شما در گفت و گویی با رادیو اروپای آزاد در مدح آقای سجایی سخن گفته اید... خلخالی: او جوان خوبی است. قابل اطمینان تر از او وجود ندارد. الان هم می گویم، اما به پدر او نباید اطمینان کرد. او همراه بازرگان و ابراهیم یزدی به انقلاب اسلامی خیانت کرده اند و باید محاکمه شوند. این ها می خواستند شهردار تهران را از زندان قصر فراری دهند. به او گفته بودند اگر نشد جلوی خلخالی اگر جانماز آب بکشی شاید تو را آزاد کند. ایشان در بند یک زندان قصر دنبال من می دوید و می گفت: آقای خلخالی! مهر نداری من نماز بخوانم! او فاقد همه صلاحیت ها بود. ولی فکر می کرد زنده می ماند، و حال اینکه تا دیدم مرتباً جلوی من جانماز آب می کشد، دستور اعدامش را صادر کردم. حرکت انقلابی این نبود که بخواهیم بشماریم چند تا قدم برداشته ایم. باید می دیدیم همین دودین ها بود که ابدیت این انقلاب را تضمین کرد...

وایسین بخش این گفت و گو را به نقد و

مقصود آراء آن فقها را نمی فهمید؟!

خلخالی: بله: مقصودشان را نمی فهمم. بهتر از این نمی توانم بگویم. موسیقی پاپ و امثال آن هم تا اینجا خوب است که به فرهنگ ما تعرض نکنند. ما فرهنگمان را به هر قیمتی که شده است، نگه می داریم. آن موقع که هویدا لخت می خوابید به او گفتم که معلوم است شما اصلاً فرهنگ ایرانی و اسلامی را نمی شناسی که چنین می کنی...

بر لخت خوابیدن هویدا در سلول، علیرغم ابراهیم ها و تردیدهای جدی ای که پیرامون آن وجود دارد، تأکید فراوان کرده اید...

خلخالی: چون کار مخالف شرع و مخالف فرهنگ ما می کرد. پاسداران از دیدن او در آن حالات خجالت می کشیدند...

اگر این ادعا صادق باشد، چه پیشپردی در صدور حکم اعدام او داشته است؟

خلخالی: به هر حال ما می دانستیم هویدا آدم مفسدی است و چنین حقایق بر ما آشکارتر می شد...

شما با چشمان خود، هویدا را به صورت لخت دیده بودید که در سلول خوابیده بود؟

خلخالی: احتمالاً دیده بودم. خیلی از حقایق را نمی شود گفت. باید فکری به حال نان کرد...

نان چی را؟!

خلخالی: نان را دیگر...

رزق و روزی را می گوید؟!

خلخالی: بله. گاه کار به جایی می رسد که برخی می خواهند ریشه آدم را بزنند، ولو به هر قیمتی که شده است. ما هم مجبور می شویم چون پول به ما نمی دهند کوتاه بیاوریم...

شما که مجاهد هستید و خودتان نیز لقب فقیه مجاهد را روی رسالتان آورده اید...

خلخالی: مجاهد هم بالاخره نان می خواهد. منتها چهار تا نمی خواهد، ولی سه تا را که می خواهد...

گفتید: برخی می خواهند ریشه آدم را بزنند. منظور شما چه کسانی هستند؟

خلخالی: گروه های فشار! مثلاً ما حرفی می زنیم، تهدید می کنند. هنک حرمت می کنند و حیثیت ما را زیر سوال می برند...

به خاطر دارم که شما همواره در برابر پارهای از

اتهامات قرار داشتید که در صورت عدم ثبوت هتک حرمت محسوب می گشت. در ابتدای انقلاب ۵۷ شما را از بیمارستان روانی بیمارستان چهرازی برشمردند. یکی از رادیوهای بیگانه نیز از شما پرسیده بود که شما علاقه به کشتن و خفه کردن گربه ها دارید و...

خلخالی: درست است. دشمنان انقلاب این اراجیف را برای صدمه زدن به ما به کار بردند که الحمدلله بلا اثر شد. آن ها وقتی تاب مقاومت در برابر قاطعیت من نیاوردند، شروع به ترور شخصیتی من کردند. این ترور شخصیتی از همان ابتدای اعدام ها آغاز شد. هر چه روند این ترور گسترش می یافت می فهمیدم که باید بر ارمان هایم محکم تر بایستم. جوانی در سنجج به من گفت شما عقده اعدام کردن دارید. به او گفتم اگر این عقده است پس... ما هم در فکر آبروی خودمان بودیم و به آن ها جواب می دادیم. مدام که نمی شد بی آبرویی باشد

از این به اصطلاح مورخینی که نام پردید، نکرده اند. این شبه روشنفکران نمی توانند ببینند که آخوندها هم در باره تاریخ ایران باستان تحقیق می کنند و افرادی مثل من در برابر خیانت های تاریخی شان می ایستند. این ها فنودال مسلک ها و لائیک هایی هستند که می خواهند تاریخ مدح شاهان و طاغوتیان باشد.

من در برابر مداحان دهخدا هم ایستادم و برای نخستین بار چهره خائنه دهخدا را در مجله کیهان اندیشه تصویر کردم. با جرات تمام اعلام کردم که لغت نامه دهخدا هم چون تاریخ تمدن ویل دورانت برای اسلام و مسلمین خطرناک و خطر آفرین است. تمام نوشته های دهخدا توهین به مذهب است و هیچ کس هم توان مقابله با آن ها را نداشته است...

البته مقاله نخستین شما پیرامون علی اکبر دهخدا در کیهان اندیشه مجمل بود و آن نیز اعتراضات فراوانی را از سوی محققان دلایل پنهان و آشکار این تصمیم را نمی دانید؟ خلخالی: نمی دانم، اما می دانم آن ها حتی دوست ندارند که دست به قلم گیرم و خاطراتم را منتشر کنم. متأسفانه تا به حال مقاومت کرده اند و تا اندازه ای نیز به مرام خود واصل شده اند...

چه کرده اید که این مقاومت ها برمی خیزد. شاید بیم اشاعه اندیشمائی را می برند که...

خلخالی: نه. دلایلش قدرت است. قدرت نیز همیشه کار خود را می کند.

پایان تراژیکی است. هم برای شما و هم برای من و گفت و گویمان!...

خلخالی: به هر حال این گوی است و این میدان و این انقلاب و این روزگار ما. تراژیک یا غیر تراژیک، کاری نمی توان کرد، همان گونه که این افراد نیز ابتدای انقلاب و در برابر قاطعیت من برای اعدام سرسپردگان رژیم شاه کاری نمی توانستند بکنند. ■

من مخالفت کرده اند و ایرادهای بی منطق گرفته اند، هم چنان معتقدم که او لواط می داد و جنایتکار بود. شما شاید از حرف های من برداشت های جدید کرده باشی. همه عوض شده اند، ولی من همانم که هستم. اتفاقاً برخلاف نظر شما، تحلیل های لایه لای خاطراتم این نکته را ثابت می کند...

رساله تحقیقی شما با عنوان کورش دروغین و جنایتکار از سوی مورخین و اساتید تاریخ فراوان نقد و رد شده است. اساساً عبارتی را که شما از تاریخ ایران باستان اثر دکتر بیرنیا و نقل قول ایشان از کتزیاس در رساله تان آورده اید، تحریف شده است...

خلخالی: ما کدام عبارت را تحریف کرده ایم؟ در تاریخ ایران باستان، در کلمات کتزیاس می آید: ((کورش پسر چوپانی بود، از ایل مردها، که از شدت احتیاج مجبور شد راهزنی پیش گیرد)). سه تحریف در نقل قول شما معنای سیاست کنار گذاشته شدید یا خود طریق انزوا را برگزیدید؟

خلخالی: هنگامی که حاکم شرع دادگاههای انقلاب بودم مخالفت های زیادی در داخل و خارج از کشور علیه من ابراز می شد. البته همواره حضرت امام خمینی (ره) من را تشویق به فعالیت های انقلابی می کردند. ناگهان احساس کردم کار به جایی رسیده است که عده ای برای اینکه من از کار برکنار شوم به ناحق نهادهای دیگر انقلاب و کشور را مورد حمله قرار داده اند. مصمم شدم که از ریاست دادگاههای انقلاب اسلامی استعفا دهم. سه دوره نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی و یک دوره نماینده مجلس خبرگان رهبری بودم. خودم هم توان کار سیاسی گسترده نداشتم، اما آقایان هم منتظر بودند تا به بهانه ای مرا خانه نشین کنند. تا اینکه صلاحیت من را در دوره چهارم انتخابات

بررسی کتاب خاطرات شما به مثابه یکی از سندهای تاریخ قضایی انقلاب ۵۷ اختصاص دهم. نثر و شیوه روایت کتاب به ظاهر دارای اشکالات زیادی است. فعل ها و پارهای از کلمات از همنشینی مناسب در قالب کتاب برخوردار نیستند. گویا پس از آنکه خاطرات خود را استخراج و نگارش کرده اید، ویراستاری نشده اند؟

خلخالی: به هر حال این کتاب هر ایرادی که دارد اصول دین من است. در این سن و سال چنین وضعیت جسمی ای که حوصله و توان کار و مسئولیتی را برآیم باقی نگذاشته، واجب دانستم خاطراتم را منتشر کنم...

نحوه نوشتن خاطرات چگونه بود؟ آن ها را از روی دفترچه یادداشت روزانه تان استخراج می کردید، یا با اتکاء به ترتیب تاریخی شروع به نگارش کردید؟

خلخالی: از دفترچه خاطرات روزانه ام که قدمتی فراوان دارد، بهره بردم. به سبب بیماری، چه می خواهید بکنید؟! گفتم: کدام چهار نفر؟! گفت: همان چهار دکتر که از اصفهان آمده اند. گفتم: کارشان تمام شد. خیال شما راحت باشد. دیگر چهار نفری وجود ندارد...

هم چون نقل اعدام امیرعباس هویدا در کتاب شماست. آن لحظه هم گویا بنا بر عادت به زندانیان گفته بودید که دیگر هویدایی وجود ندارد...

خلخالی: بله... هویدا را شخصاً کشتید؟

خلخالی: خیر. دستورش را دادم. کوه را هم جلوی من بگذارند، نمی توانم تیراندازی کنم...

پس چرا در کتاب خاطرات شما، عکستان هنگام تیراندازی چاپ شده است؟

خلخالی: آن عکس است... یعنی چه؟ یعنی چون عکس است واقعیت ندارد؟

خلخالی: فرهنگ فریبنده
نباشد. فرهنگ آموزنده باشد...

تعاریف شما کلی است که ذهن
تحلیل گر و دغدغه گر را با ابهام و
انسداد مواجه می سازد. در گروه
تعاریف تکوینی فرهنگ، گستره ای
را با نام تاکید بر ایده ها داریم. در

همین گستره وارد (Ward) در یک قرن پیش
گفته است: فرهنگ یک ساخت اجتماعی، یک
ارگانیسم اجتماعی است که ایده ها نطفه آن هستند.
در ایضاح نطفه فرهنگ مطلوب و مقبول نان
می توانید مثالی ملموس و ایده وار بیاورید؟
خلخالی: در چه زمینه مثال بیاورم؟

در زمینه سینما یک مثال بیاورید. مثلا چه
فیلمی منطبق بر ایده های فرهنگی شماست...
خلخالی: به عنوان مثال شهید مرتضی مطهری
نقدی را بر فیلم محلل (نصرت کریمی) نوشتند. آیت
الله مطهری برای تعریف می کرد که: رفتیم مع
کارگردان این فیلم را گرفتیم و گفتیم موضوع محلل
که به شما مربوط نیست. شما با این فیلم چه چیزی
را می خواهید ثابت کنی؟! چه فرهنگی را می خواهید
پیاده کنی؟! کارگردان فیلم هم جوابی نداشت...
فیلم محلل را دیده اید؟!
خلخالی: بله...

حافظه ام ضعیف شده است و خیلی مسایل را از
یاد برده ام. نشانه هایی را که در تقویم های
قدیمی ام و دفترچه های یادداشت می یابم، وقایع
را برایم تجدید می کنند. مثلا یادم رفته بود که
عبدالعلی بازرگان، پسر مهندس بازرگان هم با
ایشان به زندان ها می رفت و در فراری دادن
آدم های پدرش کمک می کرد...

گویا در فرایند تجدید خاطرات به تحلیل های
نوینی نیز رسیده اید. تحلیل هایی که سال ها قبل
نمی توانستید ارائه کنید، اما امروز در قامتی نوین
طرح می کنید...

خلخالی: نه. هیچ تحلیل نوینی ندارم. عقاید
من همان است که بود. آدم ها و عقاید را هم چنان
از همان زاویه دید می بینم. مثلا در باره کوروش،
پادشاه ایرانی، با اینکه خیلی ها مثل سعیدی
سیرجانی و باستانی پاریزی و... بار ساله تحقیقی

سوال پیشینه من البته هم چنان پابرجاست.
آوردن مضداتی ملموس در ایضاح فرهنگ مطلوب
و مقبولیتان بود...

خلخالی: جوابتان را دادم...

پاسخ شما باید اجمالی باشد، نه سلیبی...
خلخالی: مشخص است. فرهنگ مطلوب این
نیست که از یک جا درست کنیم و از یک جا باز
کنیم. نباید کلاه شرعی بگذاریم و حقه بازی کنیم.
هدف نباید این باشد. یک دختر چهارده ساله را
زینت و زیور کنید و لب و صورتش را رنگ و روغن
بمالید و سپس وارد صحنه کنید، اگر هم بگویید
اشاعه فحشا نیست، خود به خود اشاعه می شود.
آقای وزیر ارشاد چه بخواهد و چه نخواهد این گونه
فتنه انگیزی می شود. من عقیده ام این است که
هیاتی از فقها و دانشگاهیان جمع شوند و موارد
مفسده انگیز را مشخص کنند...

در شاکله فرهنگی ای که مطلوب و مقبول
مورد نظر مورخ را کاملا قلب کرده است. اول ایل
مردها به اهر مر بدل شده است. دوم، پسر چوپان
را شما پسر جوان نوشته اید و سوم، راهزنی که
هجوم بر کاروان ها و هم در رای استاد پاریزی
باستانی راهداری تلقی می گردد را با تغییر املاء
کلمه به راه زنی به معنای لواط دادن آورده اید.
مورخان پیرامون تحریف در رساله شما در باره
کوروش اجماع نظر دارند...

خلخالی: از کلمات تاریخی برداشتها
متفاوت است، حالا چون بنده آخوند هستم و به
راحتی می توانم ادعا کنم که سر از این مسایل
در نمی آورم. قول آن ها در نظر بسیاری معتبر است.
اما مثلا باستانی پاریزی چون تپ روشنفکر
جماعت را به خود می گیرد، اجماع در باره صحیح
بودن ادعایش سریع حادث می شود. تحقیقی را
که من پیرامون زندگی کوروش کرده ام هیچ کدام

دولتی خیلی بیشتر از کشورهایی
بود که اتفاقا ادعای آزادی هم
نداشتند. مثلا آن جا موسیقی را
سانسور می کردند، حال آنکه ما
خیلی از موسیقی ها را جایز
می دانیم...

به عنوان مثال در سوئیس چه
موسیقی هایی را سانسور می کردند؟
خلخالی: درست به خاطر ندارم، اما سانسور
بود. در حالی که ما سانسور در چنین زمینه هایی
نداریم...

در حوزه موسیقی، تک خوانی زن برای
مسلمانان دارای حرمت شرعی است...
خلخالی: اگر مفسده انگیز باشد، خیلی چیزها
دارای حرمت شرعی است. اکثر موسیقی ها در دین
اسلام جایز است. مرحوم فیض کاشانی، شیخ
انصاری و... آراء سازنده ای در باره موسیقی دارند...
در باره موسیقی پاپ چگونه می اندیشید؟
خلخالی: این موسیقی پاپ اگر منطبق با موازین
اسلامی شود، اشکالی ندارد و جایز است...
در حقیقت شما با رای فقهایی که برای
موسیقی حرمت قایل هستند مثل مرحوم شاه
آبادی و... مخالف هستید؟
خلخالی: من مقصود آن ها را نمی فهمم...

برانگیخت...
خلخالی: یک عده هستند که همیشه مدافع
طاغوت هستند و طرفدار فرهنگ میتدل غربی.
ده خدا هم از این مرام و مسلک حمایت می کرد و
یک فراماسون بود. روحانیت شجاع ایران او را
تکفیر کرده بودند، اما عده ای می خواهند این
واقعیات تاریخی را پنهان کنند...

باز گردیم به کتاب خاطرات. گفته اید این مجلد
متن کامل خاطراتتان است. به نظر نمی آید چنین
باشد، گویا هم چنان ناگفته های فراوانی باقی
است؟

خلخالی: من نگفته ام این مجلد متن کامل
خاطرات است. ناشر به غلط واشتباه روی جلد
کتاب عنوان متن کامل را چاپ کرده است. بیچاره
فکر می کند کتاب این گونه پرفروش شود.
ناگفته ها هنوز فراوان است...

چه می باشد آن نکات ناگفته؟

خلخالی: تفصیل آن نکات در صورت شرح جریانات آن روزگار است. اکنون نمی خواهیم و صلاح نیست که برخی ناگفته ها را باز گویم...

یکی از خاطرات ناگفته را که می توانید نقل کنید که گفتش بر خلاف مصلحت ملک و ملت نیست...

خلخالی: چهار دکتر را از اصفهان نزد من به قم آوردند. می خواستند این چهار دکتر محکوم به اعدام را عفو کنیم. واسطه عفو این ها روزنامه نگاری در اصفهان به نام آقای صلواتی بود. اکنون نیز هست. وقتی پرونده متهمان را مطالعه کردم، دیدم هر چهار نفر محکوم به اعدام هستند. نمی توانستم عفویشان کنم. تاخیر جایز نبود و برای همین همان لحظه که حکم را استنباط کردم، هر چهار دکتر را از دم تیغ گذراندم و اعدام کردم. شب آن واسطه عفو از اصفهان به من زنگ زد و گفت: آقای خلخالی! آن چهار نفری را که پیش شما هستند عفو کردید؟! چه می خواهید بکنید؟! گفتیم: کدام چهار نفر؟! گفت: همان چهار دکتر که از اصفهان آمده اند. گفتیم: کارشان تمام شد. خیال شما راحت باشد. دیگر چهار نفری وجود ندارد...

هم چون نقل اعدام امیرعباس هویدا در کتاب شماس. آن لحظه هم گویا بنا بر عادت به زندانیان گفته بودید که دیگر هویدایی وجود ندارد... خلخالی: بله...

هویدا را شخصا کشتید؟ خلخالی: خیر. دستورش را دادم. کوه را هم جلوی من بگذارند، نمی توانم تیراندازی کنم...

پس چرا در کتاب خاطرات شما، عکستان هنگام تیراندازی چاپ شده است؟

خلخالی: آن عکس است... یعنی چه؟ یعنی چون عکس است واقعیت ندارد؟! خلخالی: تفصیل آن نکات در صورت شرح جریانات آن روزگار است. اکنون نمی خواهیم و صلاح نیست که برخی ناگفته ها را باز گویم...

خلخالی: نمی دانم کی و کجا آن عکس گرفته شده است. شاید داشتم تمرین می کردم...

تمرین؟! برای چه زمانی؟! خلخالی: واجب است که مسلمان دفاع کردن از خود را بیاموزید...

نمی دانم آیا وقت آن رسیده است که به تحلیل پاره های از مسایل بطن انقلاب ۵۷ نشست یا نه. گویا در این روزها تحقیق و تألیف و تدریس اصلی ترین فعالیت شماس. کتابی سه جلدی پیرامون سیر عرفان هنر در اسلام نوشته بودید که نشان از علانق هنری شما در لا به لای دغدغه های مذهبی معرفتی تان داشت، اما فرای همه فعالیت های تحقیقی و تألیفی تان پرسشی برای من مطرح است. شاید بیشتر از برخی تحلیل های نهان و آشکارتان را پیرامون تاریخ ایران امروز از حیث سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بدانم. این اگر امتیاز باشد اقتضای بحث و گفت و گو است. برای همین همواره این پرسش برایم مطرح است که آیا از صحنه سیاست کنار گذاشته شدید یا خود طریق انزوا را برگزیدید؟

خلخالی: هنگامی که حاکم شرع دادگاههای انقلاب بودم مخالفت های زیادی در داخل و خارج از کشور علیه من ابراز می شد. البته همواره حضرت امام خمینی (ره) من را تشویق به فعالیت های انقلابی می کردند. ناگهان احساس کردم کار به جایی رسیده است که عده ای برای اینکه من از کار برکنار شوم به ناحق نهادهای دیگر انقلاب و کشور را مورد حمله قرار داده اند. مصمم شدم که از ریاست دادگاههای انقلاب اسلامی استعفا دهم. سه دوره نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی و یک دوره نماینده مجلس خبرگان رهبری بودم. خودم هم توان کار سیاسی گسترده نداشتم. اما آقایان هم منتظر بودند تا به بهانه ای مرا خانه نشین کنند. تا اینکه صلاحیت من را در دوره چهارم انتخابات

مجلس شورای اسلامی به دلیل عدم اشتیاق به تقوا و عدم التزام عملی به مبانی دین اسلام رد کردند. جریان فرصت طلب به هر حال صدمه خودش را به من زد. به یکی از اعضا شورای نگهبان گفتم: ((شما با رد صلاحیت من اعتبار کلیه اعدام های ابتدای انقلاب را نزد مردم زیر سوال برده اید. شما نمی دانید وقتی که می گوید من التزام عملی به دین اسلام ندارم، چه تبعاتی نزد افکار عمومی دارد. شما یک مقطع اقدامات انقلابی را مورد تردید واقع کردید و عدالت قاضی ای که ده ها نفر را محکوم به اعدام کرده، زیر سوال برده اید...))

پاسخ این عضو شورای نگهبان قانون اساسی چه بود؟

خلخالی: پاسخی نداد، اما آقای امامی کاشانی، از دیگر فقهای شورای نگهبان، گفت موضوع رد صلاحیت شما را مجدداً بررسی خواهیم کرد. من هم گفتم: لازم نکرده است. تصمیم عده ای این بود که دیگر نتوانم به صحنه سیاسی کشور بازگردم...

دلایل پنهان و آشکار این تصمیم را نمی دانید؟ خلخالی: نمی دانم، اما می دانم آن ها حتی دوست ندارند که دست به قلم گیرم و خاطراتم را منتشر کنم. متأسفانه تا به حال مقاومت کرده اند و تا اندازه ای نیز به مرام خود واصل شده اند...

چه کرده اید که این مقاومت ها برمی خیزد. شاید بیم اشاعه اندیشه های را می برند که...

خلخالی: نه. دلایلش قدرت است. قدرت نیز همیشه کار خود را می کند.

پایان تراژیکی است. هم برای شما و هم برای من و گفت و گویمان!...

خلخالی: به هر حال این گوی است و این میدان و این انقلاب و این روزگار ما، تراژیک یا غیر تراژیک، کاری نمی توان کرد، همان گونه که این افراد نیز ابتدای انقلاب و در برابر قاطعیت من برای اعدام سرسپردگان رژیم شاه کاری نمی توانستند بکنند. ■